

بسم الله الرحمن الرحيم

منبر مکتوب با موضوع

ثواب زیارت سیدالشهداء

استاد میرباقری

بیان ثواب زیارت سیدالشهداء از منظر روایات

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين و اللعن على اعدائهم. یکی از راه هایی که در معارف شیعه و روایات اهل بیت علیهم السلام برای نزدیک شدن راه به سوی خدای متعال بیان شده است و حقیقتاً کار را بسیار آسان کرده است و از راه هایی است که در معارف اهل بیت هم بیشتر به او اشاره شده است زیارت معصومین علیهم السلام بویژه زیارت سیدالشهداء علیه السلام است چون همه این عباداتی که ما می کنیم از نماز و حج و صوم و انفاق در راه خدا تا جهاد و شهادت در راه خدا برای این است که انسان راهی به سوی خدای متعال پیدا بکند؛ والا غرض بازیگری و مشغول شدن به خود این عبادات نیست نماز و جهاد که مقصد نیست همه اینها راه ها و سبلی هستند که ما را به خدای متعال برسانند تا به معرفت برسیم و به محبت برسیم.

از روایات ائمه علیهم السلام پیدا می شود که یک مسیری که برای رسیدن به خدای متعال گشوده شده که یک مسیر بسیار جامع و میان بر هم هست، مسیر زیارت معصوم علیه السلام است. حالا شما آثاری که در روایات برای زیارت سیدالشهداء علیه السلام نقل شده است ببینید؛ ده ها و بلکه صدها اثر و ثواب هست؛ گاهی با جهاد در راه خدا و شهادت ثوابش بیان شده است: فرمودند هر قدمی که بر می دارید ثواب این است که در راه خدا به

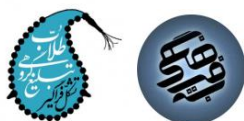


شهادت برسید گاهی با انفاق مقایسه شده است فرموده است مثل این می ماند که هر قدمی که بر می دارید در راه خدا بنده ای را آزاد می کنید گاهی با حج مقایسه شده است: گاهی فرمودند از ثواب یک حج عمره دارد؛ تا می رسد به جایی که فرمود در هر قدمی که بر می دارید ثواب یک حج عمره هست.

نسبت به طهارت نفس در روایات فرمودند: کسی که کربلا می رود و زیارت می کند وقتی می خواهد از کربلا بیرون بیاید ملکی می آید از طرف رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و پیغام برای او می آورد که خدای متعال همه گذشته تو را پاک کرد فکر آینده ات باش. این خیلی مقام مهمی است که آدم به یک جایی برسد که همه گناهان گذشته اش یک جا پاک شود و احساس کند به طهارت نفس رسیده است. این مقام توبه های طولانی می خواهد؛ یا حتی بالاتر از این بیان شده که رسولی از طرف خدای متعال می آید و سلام خدای متعال را می رساند و همین پیغام را به بنده می دهد.

آثار سنگینی که در زیارت سیدالشهداء آمده است که خیلی آثار سنگینی هستند و البته در این راه مخاطراتی هم هست اما دعوت شده که ولو مخاطره آمیز هم بود به خاطر خطر این مسیر را شما ترک نکنید و برای خطر کردن در این راه ثواب های مخصوصی در روایات ذکر شده است. برای پیاده رفتن در این راه هم همین طور و این مطلبی هست که یکی دو تا و ده ها روایت نیست؛ بلکه صدها و بیش از صدها روایت ما در زمینه زیارت سیدالشهداء علیه السلام داریم.

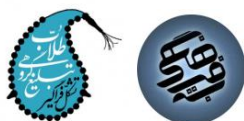
روایاتی است که آثار دنیوی این زیارت و آثار اخروی این زیارت را بیان می کند کانه به نظر می آید همه ملک و ملکوت در خدمت سیدالشهداء و در خدمت زائرین سیدالشهداء علیه السلام قرار می گیرند، برای این که راهشان هموار شود. من فقط بعضی از این روایات را به عنوان نمونه خدمتتان تقدیم می کنم؛ از این دست روایات این قدر زیاد هست که اگر بخواهیم بخوانیم از الان تا ده ها شب هم بخوانیم تمام نمی شود. چندین روایت در باب پیاده روی و مشی در زیارت سیدالشهداء علیه السلام هست و ثواب مشی و پیاده روی را ذکر می کند؛ البته این ها خوب است روایاتش قبل از پیاده روی خوانده شود ولی این که من می خوانم غرضی دارم می خواهم عرض بکنم که این یک مسیری است برای رسیدن به خدای متعال.



ثواب هر قدم در مسیر زیارت امام حسین علیه السلام

روایت را عرض کنم هم در تهذیب مرحوم شیخ طوسی هست و هم در ثواب الاعمال مرحوم صدوق است هم در کامل الزیارات نقل کرده است بقیه مجامع روایی هم مانند وسایل الشیعه از این مصادر اولیه روایت را نقل کردند. حسین بن ثویر ابن ابی فاخته می گوید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا حُسَيْنُ إِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ إِنْ كَانَ مَاشِيًا كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٌ وَ مُحِيَ عَنْهُ سَيِّئَةٌ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا كُتِبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَافِرٍ حَسَنَةٌ وَ حُطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى إِذَا صَارَ فِي الْحَائِرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ الْمُنْجِحِينَ حَتَّى إِذَا قَضَى مَنَاسِكَهٗ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ حَتَّى إِذَا أَرَادَ الْإِنْصِرَافَ أَتَاهُ مَلَكٌ فَقَالَ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا مَضَى» (۱) امام صادق علیه السلام فرمودند: یا حسین اگر کسی از منزل خودش خارج بشود و قصدش زیارت قبر امام حسین علیه السلام باشد در هر قدمی که بر داشته می شود خدای متعال برای او حسنه ای نوشته و در هر قدمی که بر داشته می شود یک سیئه ای از او پاک می شود. وقتی به حائر سیدالشهداء می رسد و وارد حائر می شود خدای متعال او را از این دو دسته ای که به فلاح و نجات رسیدند قرار داده و جز آنها او را ثبت می کند. وقتی مناسک زیارت حضرت را انجام می رساند خدا او را از فائزین می نویسد.

پس این جور نیست که این زیارت همه ثوابش مال آن اقدامات آخری است که این مناسک زیارتی را انجام دادن است؛ بلکه از خانه که راه می افتد قدم های او ثواب و عبادت هستند و با هر قدمی حسنه ای برای او نوشته می شود و سیئه ای از او پاک می شود. در بعضی روایات اضافه کرده است که بر درجه یا بر درجات او افزوده می شود و وقتی به حائر می رسد به فلاح و نجات راه پیدا می کند و وقتی مناسکش را انجام داد از جمله آن هایی که به فوز رسیدند قرار می گیرد. فائزین را روایات و قرآن معنا کرده اند. وقتی مناسک را انجام داد حالا قصد برگشت دارد ملکی می آید به سوی او و سلام نبی اکرم را به ایشان می رساند که حضرت پیغمبر برای تو پیام دادند که عمل خودت را از نو شروع کن. خدای متعال همه گذشته شما را پاک کرده است.

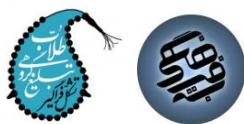


همین مطلب را در تهذیب نقل کرده است منتهی ذیل روایت را مرحوم شیخ طوسی این گونه نقل کردند: «حتی اذا اراد الانصراف عطاء ملكا فقال له انا رسول الله ربك یقرئك السلام و یقول لك استأنف العمل فقد غفر لك ما مضی» (۲) ملکی می آید به او پیغام می دهد که من از طرف خدای متعال آمده ام خدای متعال به شما سلام رسانده است و می گوید که عملت را از نو شروع کن گذشته های شما جبران شده است.

تضاد روح ایمان و نور عبادات با گناه

انسانی که به مقام بیداری و هشیاری رسید و به قول آقایان وارد عالم یقظه شد و از غفلت بیرون آمد و می خواهد راه خدا را برود اولین قدمی که می گویند بردارد باید یک توبه جامعی کند که موانع راه از او برداشته بشود. خیلی اوقات انسان عمل انجام می دهد اما موانعی دارد که این عمل به نتیجه نمی رسد. اقدام زیاد می کند مثلاً نماز شب ۴۰ سال خوانده است واجبات را رعایت کرده است ولی یک موانعی در انسان هست که این موانع نمی گذارد انسان پرواز کند و عملش به نتیجه برسد. گاهی یک گناه یک سوء نیت کافی است برای باز ماندن اما در این روایات آمده است به انسانی که زیارت کرد و مناسکش را انجام داد از طرف خدای متعال از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله پیغام می دهند که گذشته شما تدارک شده است به فکر آینده خودتان باشید سعی کنید از آن به بعد لغزش نکنید و زمین نخورید؛ البته این در باب حج هم هست در مورد حج هم فرمودند که کسی که حج انجام دهد یکی از درجات ثوابی که برای حجاج بیان شده است این است که یک دسته حاجی هایی هستند که وقتی حج را انجام می دهند به آنها می گویند «استأنف العمل»؛ یعنی حج را یک گونه انجام می دهند که خدای متعال پاکشان می کند و می فرماید پاک شدید عملتان را از نو شروع کنید. در روایت هست به حاجی می گویند این نور حج با تو همراه هست تا گناه نکردی؛ گویا انوار عبادات با گناه جمع نمی شوند و اگر انسان گناه کرد انواری که از عادات به انسان می رسد آن باطن عبادت آن سر عبادت از انسان فاصله می گیرد.

در باب روح الایمان هست «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ» (مجادله/۲۲) در روایات دارد که مومن این روح ایمان با او هست وقتی اراده گناه می کند این روح از او فاصله می گیرد و جدا می شود و این روح با



او نیست؛ یعنی در فعل گناهِش از او فاصله می گیرد. همینطور هم از بعضی روایات اینگونه استفاده می شود که عبادات انسان هم این گونه است. نور عبادت انسان با انسان هست تا انسان یک عمل منفی انجام نداده است و اگر عملی که منافات با این عبادت داشت انجام شد آن نور عبادت از انسان فاصله می گیرد.

جبران و اصلاح گذشته و تضمین آینده با زیارت مقبول

در بعضی از روایات دیگر نسبت به زائر یک مرتبه دیگری از ثواب ذکر شده است کما این که در باب حجاج هم این هست که یک دسته از حجاج حاجی ها هستند که به آنها می گویند گذشته و آینده شما تدارک شد یعنی اینطور نیست که حجاجی که انجام دادید فقط گذشته شما را جبران کرد بلکه در مابقی عمرتان هم تضمین شدید و این معنایش این است مومن می تواند با حجاجش به یک نقطه ای برسد که دیگر شیطان نمی تواند او را از خدا و اولیاء خدا جدا کند. او در حصن الهی قرار می گیرد.

یک موقعی انسان را پاک می کنند اما نسبت به آینده انسان تضمین نمی دهند و می گویند گذشته شما جبران شد ولی مراقبت کنید چون شیطان در کمین شما است مواظب باشید بعد از این در کمین شیطان واقع نشوید. اما الان آن کمین هایی که تا بحال شیطان به شما زده است و بهره هایی که برده برایتان جبران کردیم.

این در محضر خدای متعال خیلی مقام مهمی هست که انسان وقتی زمین خورد قاعدتاً دیگر نباید بلند شود اما این خدای متعال هست که جبران می کند و تدارک می کند «وَعِنْدَكَ مِمَّا فَاتَ خَلْفُ، وَلِمَا فُسَدَ صَلَاحُ، وَفِيمَا أَتَّكَرْتَ تَغْيِيرٌ» (۳) آن چه را خدای متعال نمی پسندد می تواند تغییر بدهد؛ آن چه از انسان فوت شده، دیگر فوت شده است؛ جوانی رفته است عمر رفته است این یک سالی که رفت رفته است و هر کار هم بکنی دیگر بر نمی گردد آنچه فوت شده فوت شده است ولی در محضر خدای متعال نسبت به آنچه از ما فوت شده است جایگزین هست خدای متعال می تواند جای او را پر بکند و در آن چه از ما فاسد شده است در محضر خدای متعال صلاحش هست ما خراب کردیم اما خدای متعال می تواند اصلاح بکند و آنچه تو نمی پسندی تغییرش در نزد تو هست می توانی تغییر بدهی با آن گونه ای که مرضی تو واقع شود.



این که انسان به نقطه ای برسد که خدای متعال گذشته او را جبران نکند و موانع راهش را بردارد و به نقطه صفر برسد نقطه مهمی است که آدم از سقوط نجات پیدا نکند برسد به نقطه صفر و به انسان بگویند آینده خودت را مراقبه بکن. از این بالاتر این است که آدم در یک حصنی قرار بگیرد که هم گذشته اش تدارک شده باشد هم نسبت به آینده او خدای متعال تضمین به انسان بدهد.

در روایات داریم که یک دسته از زائرین سیدالشهداء این گونه هستند که به آنها می گویند گذشته و آینده تان را خدای متعال بخشید؛ یعنی به گونه ای زیارت کردید و به محضر امام رسیدید که در حصن امام واقع شدید و دیگر شیطان نمی تواند به شما لطمه بزند و ایمان شما را سلب نکند کانه به انسان تضمین می دهند. این خیلی چیز عجیبی است چون تضمین به آدم داده نشده است حتی در روایات است که مومن تا آخرین لحظه ای که از دنیا نرفته است نگران است چون ممکن است در آن لحظه آخر شیطان سرمایه ایمان انسان را ببرد اما این که به انسان تضمین بدهند که گذشته ات جبران شد و آینده ات را هم ما تضمین کردیم این در حج است و در ثواب زیارت سیدالشهداء علیه السلام هم نسبت به بعضی از زائرین سیدالشهداء علیه السلام یک چنین ثوابی هست.

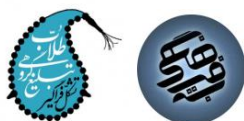
یک روایت دیگر باز از ثواب مشی خدمتتان تقدیم کنم. مرحوم ابن قولویه در کامل الزیارات نقل کردند که علی بن میمون الصائغ از امام صادق علیه السلام نقل کرد: «يَا عَلِيُّ زُرِ الْحُسَيْنَ وَلَا تَدْعُهُ قَالَ قُلْتُ مَا لِمَنْ أَتَاهُ مِنَ الثَّوَابِ قَالَ مَنْ أَتَاهُ مَاشِياً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً وَمَحَى عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فَإِذَا أَتَاهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَكْتُبَانِ مَا خَرَجَ مِنْ فِيهِ مِنْ خَيْرٍ وَلَا يَكْتُبَانِ مَا يَخْرُجُ مِنْ فِيهِ مِنْ شَرٍّ وَلَا غَيْرَ ذَلِكَ فَإِذَا انْصَرَفَ وَدَعَاهُ وَقَالُوا يَا وَلِيَّ اللَّهِ مَغْفُوراً لَكَ أَنْتَ مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَحِزْبِ رَسُولِهِ وَحِزْبِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا تَرَى النَّارَ بَعَيْنِكَ أَبَداً وَلَا تَرَكَ وَلَا تَطْعَمُكَ أَبَداً» (۴) به من فرمودند که زیارت امام حسین را رها نکن عرض کردم آقا چه ثوابی در زیارت حضرت هست فرمودند اگر کسی پیاده به زیارت حضرت برود یعنی در هر قدم سیری در انسان پیدا می شود یک مانع ازش برداشته می شود یک زاد و توشه اضافه برای راه بهش می دهند یک درجه هم او را بالا می برند وقتی می آید به زیارت حضرت دو تا ملک موکل هستند خیراتش را می نویسند هر حرف خوب بزند نوشته می شود اما بدی هایی که از او صادر می شود آن را نمی نویسند و حرف های خشتی حرف های بی



خاصیت آن ها را هم نمی نویسند دو ملک وقتی بر می گردد با او خدا حافظی می کنند و به او می گویند که گناهان تو آمرزیده شده است و از این بالاتر اینکه شما جزو حزب الله حزب رسول حزب اهل بیت خواهی بود که در قرآن هم داریم که «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۵۶) بعد فرمود هیچ گاه آتش را نخواهی دید و آتش هم شما را نخواهد دید هیچ گاه این آتش نمی تواند شما را طعمه خودش بکند. خیلی وقتها ما طعمه جهنم و طعمه شیاطین طعمه اولیاء طاغوت می شویم و لقمه آن ها می شویم آن ها ما را تناول می کنند و جزو قوای خودشان قرار می دهند از ما در مسیر شیطنت آن ها سوء استفاده می شود فرمود اگر کسی به زیارت امام حسین رفت یکی از خواصی که پیدا می کند این هست هیچ وقت طعمه آتش نمی شود طعمه شیطان نمی شود. نار، باطنش ولایت اولیاء طاغوت و شیطان است طبق آیه قرآن که فرمود: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۲۵۷) یعنی انسانی که به زیارت سیدالشهداء رفت دیگر طعمه شیطان نمی شود و شیطان نمی تواند از او سوء استفاده کند؛ چنین انسانی از مطمع شیطان بیرون می رود. از این دست روایات فراوان هستند.

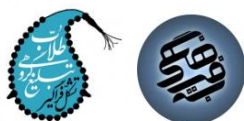
حج مقبول در هر قدم زیارت سیدالشهداء

در بعضی دیگر از روایات این گونه دارد که این دیگر خیلی عجیب است تا اینجا بعضی آثار در حج هم بود که اگر کسی حج برود در هر قدمی بر می دارد حتی اگر سوار مرکب شود هر قدمی که مرکب بر می دارد یک حسنه برایش می نویسند و یک بدی از او پاک می کنند و یک درجه او را بالا می برند. اما در بعضی روایات برای نمونه روایت در تهذیب هست و مرحوم شیخ طوسی از امام صادق علیه السلام نقل کردند: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الزَّائِرِ لِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَقَالَ مَنْ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ ثُمَّ مَشَى إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَيَضَعُهَا حَجَّةٌ مُتَقَبَّلَةٌ بِمَنَاسِكِهَا» (۵) کسی که در فرات غسل کند و قدم بر دارد و پیاده به طرف قبر امام حسین برود هر قدمی که بر می دارد یک حج مقبول آن هم با مناسکش است. شما ثواب زیارت حج را دیدید؛ این روایات در مقام کوچک کردن ثواب حج نیست. حج خیلی عبادت بزرگی است در روایات هست و بزرگان هم کتب اخلاقی خودشان آورده اند و وقتی مناسک حج و آداب و رموز حج را بیان کردند آنجا توضیح دادند که حاجی



به چه مقاماتی می تواند نایل شود؛ کانه یک سفر کامل آخرتی است که انسان حاجی می تواند یک سیر کامل الی الله داشته باشد. در قرآن فرار الی الله به حج تفسیر شده است خدای متعال می فرماید: «فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ * وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (ذاریات/۵۰-۵۱) که بزرگان فرمودند که آیه دوم تفسیر آیه اول است. به سوی خدا فرار کنید من شما را انذار می کنم اگر فرار نکردید در خطر هستید این فرار از آلهه خودتان که با خدا گرفتید و از شرکتن است که به سوی خدای متعال فرار کنید از بت ها و بت کده تان بیرون بیاید و به سمت خدای متعال بروید؛ از وادی شرک به وادی توحید بروید. فرار کنید. این وادی شرک این آلهه و این پناه گاههای شما برای شما خطر خیز هستند من شما را انذار می کنم در روایت است فافروا الی الله یعنی «حُجُّوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (۶) پس این روایات نمی خواهد حج را کوچک کند حج فرار الی الله است حج رسیدن سیر در وادی توحید است سیر از شرک به توحید است که اگر کسی حج کامل انجام داد یک وادی را طی کرده است؛ یک مقام را در وادی توحید طی کرده است و از شرک به توحید رسیده است. خیلی عمل جامع و کاملی است به خصوص با توجه به این که امیرالحاج امام علیه السلام هست و امام هست که ما را سیر می دهد حج سفر کاملی است.

بحث این نیست که ما می خواهیم حج را کوچک کنیم بلکه بحث عظمت زیارت سیدالشهداء علیه السلام است که در روایات متعدد آمده است. در آن حدیث بالا فرمود وقتی از فرات غسل می کنید هر قدمتان یک حج مقبوله است. یک نقلی از مرحوم مجلسی بزرگ پدر علامه مجلسی در شرح شان هست و در من لا یحضره الفقیه مرحوم صدوق و در روضه المتقین، آنجا یک تعبیری ایشان دارند می گویند که فاصله بین فراتی که از حله می گذرد تا مزارع امام حسین علیه السلام قریب ۶۰ هزار قدم است ستین الف خطوه ۶۰ هزار قدم تقریباً سی کیلومتر می شود. اگر در هر قدمی ثواب یک حج و مناسکش باشد معنایش این است اگر کسی از آنجا غسل کند و پیاده برود ثواب ۶۰ هزار حج مقبوله دارد. اینقدر گاهی این اعمال ثواب هایش بزرگ است و ما هم روحمان کوچک هست و دستگاه و عظمت دستگاه الهی را درک نمی کنیم که به نظرمان می آید که این ثواب ها مبالغه آمیز است؛ در حالی که اصلاً این گونه نیست.



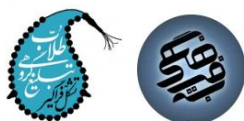
در روایات حضرت فرمودند: مومنی که از سر محبت به پدر و مادرش نظر می کند خدای متعال در هر نظر ثواب یک حج به او می دهد. یک کسی گفت آقا شاید یک کسی دلش بخواهد روزی صد بار این گونه به پدر و مادرش نگاه کند (من حدیث را نقل به معنا می کنم) حضرت فرمودند مگر تو بخیل هستی دستگاه خدای متعال خیل وسیع تر از این حرفهاست اگر او صد بار نظر محبت آمیز بکند خدای متعال صد بار ثواب حج به او می دهد.

ما چون کوچک هستیم این ثواب ها گاهی در نظر ما یک کمی ممتنع به نظر می آید در دستگاه خدای متعال همه این ثواب ها متصور است؛ نسبت به فضل و جود و کرم الهی و در دستگاه اهل بیت و وسعت دستگاهشان این ثواب ها متصور است.

تبدیل طینت شهید راه زیارت به طینت انبیاء مخلصین

یک روایت دیگر را از یک باب دیگری خدمتتان می خوانم. این گونه بود که می رفتند زیارت سیدالشهداء علیه السلام گاهی اوقات اگر به دست دشمن می افتادند کشته می شدند؛ صفان جمال از امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیثی سوال کرد: «فَمَا لِمَنْ قُتِلَ عِنْدَهُ جَارٌ عَلَيْهِ سُلْطَانٌ فَقَتَلَهُ قَالَ أَوَّلُ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِهِ يُغْفَرُ لَهُ بِهَا كُلُّ خَطِيئَةٍ وَ تَغْسَلُ طِينَتُهُ الَّتِي خُلِقَ مِنْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَخْلُصَ كَمَا خَلَصَتِ الْأَنْبِيَاءُ الْمَخْلُصُونَ» [و يَذْهَبُ عَنْهَا مَا كَانَ خَالَطَهَا - مِنْ أَجْنَسِ طِينِ أَهْلِ الْكُفْرِ] (۷) اگر سلطانی دست بیاید به این زائر و او را بکشد ثواب این کسی که رفته به زیارت و سلطان بر او مسلط شده و او را کشته چیست این شنیدنی است از امام صادق علیه السلام خیلی عجیب است فرمودند: اول قطره خونس که ریخته می شود همه خطاهایش و خطیئه هایش هم اعمالش و شاید هم صفات رذیله اش مورد مغفرت قرار می گیرد.

ما از یک طینتی خلق شدیم و طینت هایمان متفاوت و متناسب با درجاتمان است. بعضی طینت هایشان خیلی نورانی است بعضی طینت هایشان کم تر بعضی ها هم خب طینت هایشان ظلمات است که اینها در دوستان اهل بیت نیستند که سرشتشان ظلمانی است. خب خیلی چیزها در طینت انسان هست البته اینکه طینت از کجا می

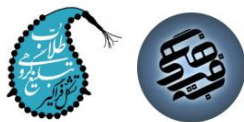


آید چرا طینت ها متفاوت هستند در جای خودش باید بحث شود که آنجا هم خیلی هایش از اختیارات ما در آن دخیل بوده است این که طینت ما چگونه شود اختیاری که ما در عوالم قبل کردیم در سرشت و طیتیمان هم حضور داشته است و خیلی بی ارتباط با اختیار ما نیست؛ مثل خلوص در طینت. این را در قرآن خدای متعال می فرماید «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/۱۶) پیداست ناظر به گذشته است و بعید نیست اگر آن ها در طریقه توحید و ولایت استقامت می کردند آنها را با آب گوارا سیراب می کردیم. حضرت فرمود این ناظر به عالم اظله است در آنجا اگر بر ولایت ما استقامت می کردند گلشان را با آب فرات با ولایتیمان عجین می کردیم (ماء فرات تفسیر به ولایت شده است) گلشان عجین با ولایت می شد و نورانی می شدند. کما این که بعضی می دانید گلشان با ماء أُجاج با آب تلخ و شور سرشته شده است. حالا آن هر کدام تفاسیری دارد.

طینت هایی که ما در وجودمان هست که دیگر سرشت ما شده است این طینت ها متفاوت است در آن روایت این تعبیر خیلی تعبیر عجیبی است فرمود وقتی خون این کسی که در زیارت امام حسین به شهادت رسیده است روی زمین می ریزد ملائکه طینتی که از او خلق شده است شستشو می دهند حَتَّى تَخْلُصَ كَمَا خَلَصَتِ الْأَنْبِيَاءُ الْمُخْلِصِينَ کما اینکه انبیاء مخلص طینتشان خالص شده است طینت این آدم هم خالص می شود. این خیلی مقام عجیبی است. نه بیانش از غیر امام ساخته شده است و نه اینکه اگر بیان امام صادق نبود واقعاً این قدر مطلب سنگین است که قابل باور کردن نبود. حضرت فرمود کسی که در مسیر زیارت سیدالشهداء به قتل برسد این آدم وقتی خونسش روی زمین می ریزد غیر از این که خطیئه هایش پاک می شود ملائکه موکل هستند طینت او را شستشو دهند و طینت او خالص می شود و زدوده می شود از طینت او آن چه از ناپاکی گل اهل کفر و فساد وارد شده است.

علامت تفاوت طینت و عمل مومن و کافر

این هم در روایات مفصل توضیح داده است و فرمود که خدای متعال از یک گل مومنین را آفریده است و از یک گل کفار و عرض کردم این جبر نیست بلکه اختیارات قبلی ما در آن دخیل بوده است. بعد این دو گل با هم قاطی شده اند صفات مومنین به آن ها و صفات آن ها به مومن سرایت پیدا کرده است؛ نظیر معاشرتی که ما در

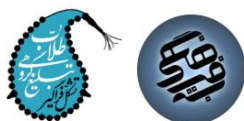


همین دنیا با همدیگر داریم. الان در این دنیا مومن با فاسق با هم معاشرت می کنند زندگی شان گاهی آمیخته می شود کافر و مومن در این دنیا با همدیگر معاشرت می کنند؛ فرهنگ ها و رفتارها منتقل و گاهی خصوصیات روحی منتقل می شود؛ یعنی ما از کفار نحوه زندگی یاد می گیریم.

الان این شیوه زندگی که ما داریم بسیاری اش از طرف کفار آمده است و این در اثر اختلاط ما با کفار است؛ یعنی وقتی مختلط با کفار شدیم ظاهر زندگی آن ها به زندگی ما و گاهی صفاتشان به صفات ما سرایت می کند. گاهی از این بدتر می شود و آلودگی آن ها وارد طینت ما می شود علامت طینت گاهی این است که آدم از آلودگی بدش نمی آید، زیرا یک موقعی آدم آلوده می شود ولی از آلودگی بدش می آید ولی اگر وارد طینت انسان شد انسان دیگر از آن آلودگی بدش نمی آید و این علامتش است.

طینت فاسق از فسق است؛ او فاسق است نه فاسق العمل؛ از فسق لذت می برد. در روایات به حضرت گفتند: شیعه شما معصیت می کند ما بگوییم فاسق است؟ حضرت فرمود: نگوئید فاسق است بگوئید فاسق العمل است؛ او طیب الروح است یعنی روحش پاک است اگر محب ما است خودش پاک است اما عملش فسق است. از عملش تبری بجوئید از خودش تبری نجوئید. در روایات دارد مومن علامتش این است که از بدی بدش می آید زیرا وقتی طینت پاک شد، سنخیتی با بدی ندارد پس از بدی ها بدش می آید؛ به عکس فاسق از فسق لذت می برد این است که مومن هیچ وقت از گناه خودش راضی نیست و هیچ وقت از گناه خودش لذت حقیقی نمی برد از عمق وجودش مبتهج به گناه نیست.

مومن وقتی مکروه انجام می دهد لا ابالی می شود و این یک درجه از ایمانش کاسته شده است اگر در گناهان لا ابالی شد که درجه بعدی است. مومن لا ابالی نیست چون طینتش نورانی است و از گناه پرهیز می کند یک جایی هم اگر مبتلا شد و در اثر آلودگی و آمیختگی با کفار گناهی را انجام داد این از گناه خودش هم بدش می آید؛ از صفت بد خودش هم بدش می آید؛ مثلاً اگر حسد در آن باشد از حسد خودش لذت نمی برد. ناراحت است که حسود است؛ ناراحت است که بخیل است؛ ناراحت است که ترس بی جا و خوف بی جا دارد؛ از ترسو بودن خودش بدش می آید؛ این علامت مومن است.

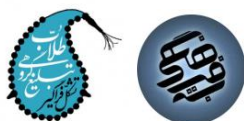


به عکس اگر کسی فاسق و فاسد و کافر شد، از اعمال بد لذت می برد و به عکس از اعمال خوب نگران هست و بدش می آید و لذت نمی برد. حال اختلاط این دو (مومن و فاسق) با هم به انواع مختلف است. گاهی به گونه ای است که ظاهر مومن فقط آلوده می شود این یک دسته هستند ولی گاهی در اثر شدت اختلالی که انسان پیدا می کند می بیند که طیتش هم آلوده می شود یعنی به گونه ای می شود که گاهی از بعضی بدی ها هم بدش نمی آید و از بعضی خوبی ها هم خیلی لذت نمی برد؛ این علامت اختلاط طینت است.

حال در این روایت حضرت فرمود که ملائکه وقتی این مومن خودش روی زمین می ریزد طینت او را شستشو می دهند تا خالص می شود و آن چه که از ناپاکی گل اهل کفر و فساد مخلوط با طینت مومن شده بود از طینت او جدا می شود. این خیلی چیز عجیبی است.

درجات آلودگی انسان به دست ابلیس

در ادامه حدیث است که «وَيُغْسَلُ قَلْبُهُ» قلبش شستشو داده می شود. در مورد قلب، از قلب ظاهری داریم تا باطن؛ گاهی اوقات شیطان و شیاطین و اولیاء طاغوت در قلب انسان نفوذ می کنند و انسان به آلودگی آن ها آلوده می شود زیرا بر طبق احادیث «عَدُوْنَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ كُلُّ قَبِيحٍ وَ فَاحِشَةٍ» (۸) همه زشتی ها و بدی ها و آلودگی ها مال دستگاه اولیاء طاغوت و دشمنان حضرت و مال شیطان است. شیطان سعی می کند در انسان دست ببرد و انسان را آلوده کند. گاهی ظاهر انسان را مسح و آلوده می کند؛ کسی که طیتش از لجن است اگر بوی او هم به انسان بخورد انسان بوی لجن می گیرد. آدم از مسیری که بوی عفونت می آید عبور کند لااقل لباس هایش بوی بد می گیرد. شیطان سعی می کند اگر بتواند بوی خودش را اگر بتواند دستش را که از لجن است، بوسیله آنها انسان را آلوده کند؛ اگر بتواند دست در قلب انسان ببرد. در روایات است که هر گناهی که انسان می کند یک نقطه تیره در دلش پیدا می شود این که در روایات است که «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ» (۹) نگاه حرام یک تیری است که از ناحیه شیطان رها می شود از چشم عبور می کند و به قلب انسان می رسد. شیطان سعی می کند کدورت، آلودگی، ظلمت، استکبار، شیطنت و گردن فرازی خودش در مقابل خدای



متعال را به قلب انسان برساند. این کار شیطان است. خب گاهی اوقات قلب ما آلوده می شود؛ مومن است خالص که نیست اما در آن روایت فرمود قلبش را شستشو می دهند و این خیلی عجیب است.

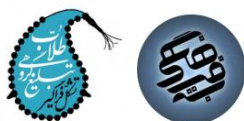
ویژگیهای شرح صدر در انسان

کسی که در راه سیدالشهداء می رود زیارت و خونس ریخته می شود، خطیئه هایش پاک می شود؛ صفات و سرشتش تطهیر و خالص می شود. اگر یک خلیطی از گل اهل کفر و فسق و ناپاکی آنها به گل این زائر سرایت کرده بود می رود و دور می شود یا از بین می برند از او دور می کنند و بعد قلبش شستشو داده می شود و در ادامه حدیث است که «وَيُشْرَحُ صَدْرُهُ» شرح صدر بهش داده می شود شرح صدر در روایات دارد همان نورانیت توحید و ولایت است که وارد قلب مومن می شود حضرت فرمودند شرح صدر نورانیتی است که وارد قلب مومن می شود وقتی وارد قلب مومن شد این قلب وسعت و فصاحت پیدا می کند بعد هم ظرفی برای حقایق می شود؛ قلب قبل از آن قلبی بسته است که ظرف نزول حقایق نیست وقتی این نورانیت آمد درها باز می شود و شرح صدر پیدا می شود و انسان آماده نزول حقایق می شود.

شرح صدر را در روایت وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله این گونه معنا کرده اند و فرمودند: «التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالِاسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ» (۱۰).

علامت این شرح صدر سه چیز است،

اول این است که تجافی نسبت به دار الغرر پیدا می کند؛ یعنی دل کننده می شود و حالت پرواز از دنیا پیدا می کند؛ فریفته به دنیا نمی شود و حالت میل و انس پیدا می کند با دار الخلود انابه یعنی حالت انس و غیر توبه است. در قرآن هر دو استعمال شده است منیب و انابه غیر از تاب و يتوب است توبه یعنی رجوع الی الله انابه مقام انس با خدا است. منیبین کسانی هستند که به ذکر الله تطمئن القلوب به مقام ذکر و اطمینان می رسند. از آثار شرح صدر انابه الی دار الخلود است یعنی انسان انس با دار الخلود پیدا می کند دل کننده از دنیا و مانوس با دار آخرت می شود که سیدالشهداء فرمود اصحاب من مانوس با مرگ هستند یعنی همین. انس با دار الخلود انسان

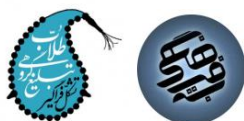


پیدا می کند و در قدم سوم هم قبل از فوت فرصت ها آماده موت است و استعداد برای موت دارد. موت استعداد می خواهد این که فرمودند: «موتوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (۱۱) در باب اولیاء خدا است که انسان به موت اختیاری برسد و آن استعداد می خواهد استعداد موت پیدا می کند گویا موت اختیاری پیدا می کند. اگر کسی به شرح صدر رسید مستعد برای موت قبل از فوت فرصت ها می شود. هنوز فرصت ها از او فوت نشده است او مستعد رفتن است؛ این موت اختیاری که در باب اولیاء هست که خلع روح از خودشان می کردند و در احوالاتشان نقل شده و گاهی یک روز و سه روز و یک هفته و در بعضی بیشتر خلع روح از خودشان می کردند و می رفتند و بر می گشتند و به اختیار خودشان واگذار شده بود، این خیلی مقام عجیبی است.

شرح صدر اگر به کسی داده شد و نورانیت قلب اگر آمد و در قدم اول انوار توحید و ولایت اگر وارد قلب انسان شد این ها آثارش است؛ این مقدمه هدایت های بعدی است. انسان تا دلبسته به دنیا است هدایت نمی شود. تا انس با عوالم غیب و عالم آخرت و دار الخلود ندارد هدایت نمی شود. تا آماده برای موت نباشد هدایت نمی شود. این ها باید بیاید تا انسان پرواز کند این ها مقدمه پرواز انسان است.

اجر شهید راه زیارت امام حسین علیه السلام

اگر کسی به این مقام رسید و در راه امام حسین علیه السلام کشته شد، قلب او شستشو داده می شود و شرح صدر به او داده می شود و «وَيُمَلَأُ إِيْمَانًا» (۴) قلبش پر از ایمان می شود و همانطور که ما دعا می کنیم «اللهم املأ قلبی حبا لک» (۱۲) قلب انسان پر از محبت خدا و پر از ایمان می شود؛ پر از محبت امیرالمومنین علیه السلام می شود و جای خالی نمی ماند زیرا پیمانه قلبش را با ایمان پر می کنند. در ادامه همان حدیث است که در این حال «فَيَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ مُخْلِصٌ مِنْ كُلِّ مَا تُخَالِطُهُ الْأَبْدَانُ وَالْقُلُوبُ» وقتی به لقا خدا می رسد از هر چه که مخالطه با ابدان و قلوب دارد نه فقط بدنش پاک می شود بلکه هر چه با بدن انسان می تواند آمیخته شود، با قلب انسان می تواند آمیخته شود که حجاب و مانع است پاک می شود.



حجب گاهی بدن انسان را می گیرند و گاهی اوقات گناه و آلودگی های شیطان و صفات رذیله و ظلمت تفرعن و استکبار بر خدای متعال و فرعونیت نفس و گاهی باطن و قلوب انسان را هم می گیرد.

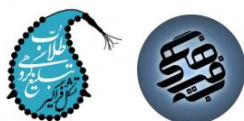
جبهه نور نبی اکرم و جبهه ظلمت شیطان

دو جبهه است: یک جبهه نور نبی اکرم که آنجا همه اش طهارت و نور و صفا و بندگی و خلوص است و یک طرف دستگاه ابلیس است که سراسر ظلمت و کدورت و آلودگی جهنم است. طعام این طرفی ها بهشت است و آب گوارا و شجره طوبی و طعام آنها هم غسلین و ماء حمیم و چرک و شجره زقوم است و در جهنم هم که می روند «وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسْلِينَ» (حاقه/۳۶) در دنیا هم همین طور است یعنی در دنیا هم آن هایی که سر سفره امیرالمومنین می خورند طعام طیب می خورند و آن هایی که سر سفره شیطان می نشینند غسلین می خورند.

آن اولیاء خدایی که پرده از جلوی چشمشان برداشته شده است وقتی نگاه به سفره حرام می کردند چرک و خون می دیدند در دنیا هم همین طور است در آخرت هم همین طور است. مثلاً اگر کسی در خواب دید خدایی نکرده نجاسات می خورد این بگردد زیرا در روزی اش حرام یا شبهه ناک وارد شده است؛ آن شبهه ناک را از روزی خودش دور کند. حال گاهی روزی ظاهری است و گاهی روزی باطنی او است؛ مثلاً علمش علم آلوده ای شده است. مواظب باشد زیرا خلیطی در این معارفی که دارد یاد می گیرد وارد شده است؛ اجتناب کند از آن و معارف خودش را خالص کند. این آلودگی ها مال این دستگاه است.

مراتب نفوذ شیطان در انسان و مراتب توبه

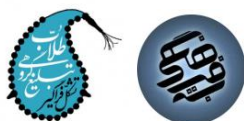
مومن سرشتش از دستگاه نبی اکرم است. در روایات است که اگر بتواند خودش را در این وادی حفظ کند همه وجودش نور و صفا و طهارت و پاکی می شود و اگر از آن طرف قدمی برداشت آلودگی از آن بر می آید شیطان می خواهد ما را ببرد آلوده کند. یک موقع آلودگی به بدن است، خب آدم می رود زیر دوش خودش را می شوید. یک بار عفونت رفته داخل بدن این که با حمام رفتن نمی شود درستش کرد؛ حال یک موقعی می بیند رفته در روح انسان این دیگر گاهی اوقات برای تطهیر باید یک برزخ طولانی را طی کند. این خیلی عجیب است



که یک برزخ طولانی را طی کنیم مثل کسی را که بی هوش می کنند و جراحی اش می کنند و عفونت را از بدنش بیرون می آورند، باید ما را ببرند در آن فضای عالم برزخ تطهیرمان کنند تا سر از قبر که بر می داریم مطهر باشیم. گاهی اوقات سختی های محشر است و گاهی اوقات جهنم است؛ سهم جهنم را باید جهنم بخورد. این در روایات هست که حضرت فرمود که همه گناهان سخت است ولی سخت ترین گناه آن گناهی است که تبدیل به گشت و پوست انسان می شود؛ یعنی از حرام انسان فربه بشود که گاهی اوقات از مال حرام است، گاهی اوقات از لذت حرام است و انسان روحش فربه می شود و روح انسان لذت حرام می برد و با لذت حرام فربه می شود. فرمود نکته اش این است به خاطر اینکه حرام در بهشت راه ندارد و تا پاکتان نکنند در بهشت نمی گذارند بروید.

گاهی ناپاکی رفته در زوایای وجود انسان خودش را پنهان کرده است این همان شرک خفی می شود. در دستگاه امیرالمومنین که جز اخلاص و توحید نیست «من أشرک بعبادة ربه فقد أشرک بولایتنا» (۱۳) هر که شرک در بندگی دارد ولو شرک خفی این شرک در ولایت ما دارد. اگر کسی به اخلاص در ولایت رسید باید همه وجودش نور و طهارت بشود. یک بار شیطان جسم انسان را مسح می کند این یک توبه دارد یک موقعی آن آلودگی از جسم انسان عبور می کند و دست شیطان به روح انسان می رسد آن توبه دیگری دارد؛ یک بار هم دست شیطان می رسد به زوایای پنهان گل انسان و دستگاه شیطان تا آنجا نفوذ می کند خب این باید شستشو داده شود و شستشو هم داده می شود مومن با سختی ها با ابتلائات و با سختی جان کندن در عالم برزخ شستشو داده می شود. ولی در آن حدیث فرمود این مومنی که رفته به زیارت سیدالشهداء علیه السلام و به دست دشمن کشته شده است همین که خورش روی زمین می ریزد خطیئه هایش که پاک می شود ملائکه گلش را شستشو می دهند و طینتش خالص می شود؛ از اولش دست می برند و مثل طینت انبیاء خالص می شود؛ آن چه که از ناپاکی گل اهل کفر و فسق وارد گلش شده بود یا از گلش می رود و یا از گلش پاکش می کنند و قلبش شستشو داده می شود. این خیلی عجیب است.

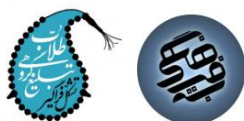
شستشوی طینت مومن با آب ولایت معصوم



آنچه ما را شستشو می دهد حقیقت ولایت است «وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ» (انفال/ ۱۱) در روایت فرمود این آب، حقیقت ولایت است که از مقام رفیع نبی اکرم جاری می شود شما را می شوید. ملائکه با چه چیزی شستشو می دهند که قلب انسان پاک می شود؟ در باب نهر تسنیم که مربوط به امیرالمومنین علیه السلام است روایت است که باب بهشت متقین است و مومنین وقتی می خواهند وارد شوند در این نهر تسنیم خودشان را شستشو می دهند، جسدشان پاک می شود. آن گونه شستشو می شود که قلبشان را شستشو می دهند و نورانیت قلب و شرح صدر پیدا می کند و قلبش پر از ایمان می شود و وقتی خدا را ملاقات می کند مخلص است «وَ هُوَ مُخْلَصٌ مِنْ كُلِّ مَا تُخَالِطُهُ الْأَبْدَانُ وَالْقُلُوبُ» که هیچ پلیدی در تنش نیست و با قلب سلیم وارد بر خدای متعال می شود. «الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ» (۱۴) قلب سلیم قلبی است که وقتی به ملاقات پروردگار می رود جز خدا در آن قلب نیست «كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ» (۱۵) قلبی است که در آن نه شک است، به مقام نورانیت و یقین رسیده است و نه شرک است، به مقام اخلاص در محبت رسیده است.

در ادامه آن حدیث است که «وَيُكْتَبُ لَهُ شَفَاعَةٌ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَلْفٍ مِنْ إِخْوَانِهِ وَ تَوَلَّى الصَّلَاةَ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَعَ جِبْرِئِيلَ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ يُؤْتَى بِكَفَنِهِ وَ حَنُوطِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُوسَّعُ قَبْرُهُ عَلَيْهِ وَ يُوضَعُ لَهُ مَصَابِيحُ فِي قَبْرِهِ وَ يَفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ تَأْتِيهِ الْمَلَائِكَةُ بِالطَّرَفِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُرْفَعُ بَعْدَ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ يَوْمًا إِلَى حَظِيرَةِ الْقُدُسِ فَلَا يَزَالُ فِيهَا مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ حَتَّى تُصِيبَهُ النَّفْخَةُ الَّتِي لَا تُبْقِي شَيْئًا فَإِذَا كَانَتِ النَّفْخَةُ الثَّانِيَةُ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ كَانَ أَوَّلَ مَنْ يُصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ الْأَوْصِيَاءَ وَ يَبْشُرُونَهُ وَ يَقُولُونَ لَهُ الزَّمْنَا وَ يُقِيمُونَهُ عَلَى الْحَوْضِ فَيَشْرَبُ مِنْهُ وَ يَسْقَى مَنْ أَحَبَّ» هم خودش را پاک می کنند و هم به او اجازه شفاعت می دهند در اهل بیتش و هزار نفر از برادران و دوستانش. بقیه روایت هم عجیب است و که جناب ملک الموت که مامور قبض روح ما است و جناب جبرئیل آن ها بر او نماز می خوانند یعنی در نمازش شرکت می کنند این ها اگر روایت نبود باور کردنی نبود

کفنش را از بهشت برایش می آورند غیر از این کفن های ظاهری که ما برای مومنین گاهی اوقات مهیا می کنیم یک چیزهایی در عالم باطن است. نور در قبرش می بارد و چراغ هایی در قبرش روشن می شود از قبرش بابتی به سوی بهشت گشوده می شود طرفه های بهشتی برایش می آورند و بعد از ۱۸ روز که در قبر خودش هست



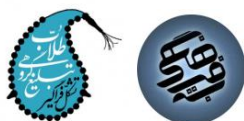
قبرش که روضه ای از ریاض بهشت است او را می برند به مقام حظیرةالقدس و در آن مقام با اولیاء خدا است تا نفخه قیامت به پا می شود. دو تا نفخه داریم در نفخه اول همه می میرند و نفخه دوم از نو زنده می شوند همین که نفخه دوم دمیده می شود و این سر بر می دارد مواجه با نبی اکرم می شود یعنی آنجا محشور می شود خیلی عجیب است این روایات واقعاً شگفت انگیز است به او می گویند ملازم با ما باش و هم خودش از حوض می خورد هم هر که را دوست می دارد سقایت می کند و ساقی حوض کوثر به اذن ائمه علیهم السلام می شود .

این ها روایاتی است که از این دست روایات زیاد داریم اگر مثلاً همین یک روایت بود ممکن بود آدم بگوید برویم بحث سندی کنیم ولی این جور نیست؛ این مضامین در باب زیارت سیدالشهداء خیلی عجیب است.

عبادتی استثنایی است و یک راه میانبر خدای متعال به برکت سیدالشهداء برای سیر در وادی توحید و طهارت و رسیدن به مقامات قرب و توبه و انابه و همه این چیزهایی که در این حدیث دیده اید به روی ما گشوده است و آن سیر وادی زیارت سیدالشهداء علیه السلام هست که از نیتش ثواب دارد تا اقدامش تا قدمی که بر می داریم و تا رسیدنش تا مناسکش همه ثواب دارد. مناسک آخرین قدم است و الا از همان قدم اول احیا می شود . السلام علیک یا ابا عبدالله...

پی نوشت ها:

- (۱) کامل الزیارات، النص، ص: ۱۳۲
- (۲) تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۶، ص: ۴۳
- (۳) الصحیفه السجادیه، ص: ۹۸
- (۴) کامل الزیارات، النص، ص: ۱۳۴
- (۵) تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج ۶، ص: ۵۳
- (۶) الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴، ص: ۲۵۶



(۷) کامل الزیارات، النص، ص: ۱۲۴

(۸) الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۸، ص: ۲۴۳

(۹) بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص: ۳۸

(۱۰) مکارم الأخلاق، ص: ۴۴۷

(۱۱) بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۹، ص: ۵۹

(۱۲) الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۵۸۶

(۱۳) تفسیر القمی، ج ۲، ص: ۴۷

(۱۴) الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۶

(۱۵) الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۲۹



منبع: پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سید محمد مهدی میرباقری

